



سید عباس موسوی در پشت یک قیضه ضد هوایی در روستای کفرابا در شرق صیدا

مروری بر زندگی سیدعباس موسوی؛

# دبیرکل مجاهد و بخشنده

۱۳۷۰-۱۳۳۱ سید عباس موسوی از جمله شخصیت‌های مشهور و تأثیرگذار لبنان در دهه ۱۹۸۰ م است. وی در سال ۱۳۳۱ در لبنان به دنیا آمده و هنوز پانزده سالش تمام نشده بود که راهی نجف اشرف شد تا در آنجا درس دین بیاموزد. تحصیلات او در سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۷) در شهر صور با امام موسی صدر آشنا شد و به خواست او به حوزه علمیه صور (کانون تحقیقات اسلامی) که مؤسس آن موسی صدر بود رفت. در سال ۱۹۶۷ میلادی برای پیگیری تحصیلات علوم دینی به حوزه علمیه نجف رفت و نزد اساتید بزرگ آن حوزه به تحصیل در رشته‌های علوم اسلامی پرداخت. وی در کلاس‌های درس سید ابوالقاسم خوبی و سید محمد باقر صدر می‌رفت و با سید محمد باقر صدر روابط نزدیک فکری و سیاسی برقرار کرد. پس از منوب سید عباس تحت تأثیر برنامه‌های اصلاحی و ارشادی شهید صدر، مسئولیت تبلیغ و ارشاد در لبنان را بر عهده گرفت. موسوی، مرکزی برای تعلیم علوم دینی به نام امام المنتظر (عج) تأسیس کرد. در بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی او، همسرش هم پا به پای وی حرکت می‌کرد و حوزه علمیه خواهران تشکیل داد. این شهید بزرگوار از مؤسسان

حزب الله لبنان و نخستین دبیر کل آن بود. در آن دوره حزب الله در دو زمینه فعالیت می‌کرد: ۱. مبارزه با رژیم صهیونیستی؛ ۲. فعالیت در عرصه سیاسی، اجتماعی لبنان. خودروی سید عباس موسوی در ۲۷ بهمن ۱۳۷۰، در حالی که او از مراسم بزرگداشت هشتمین سالگرد شهادت شیخ رابع حرب در جنوب لبنان باز می‌گشت، هدف حمله موشکی چرخ بال‌های اسرائیلی قرار گرفت و همراه همسر و فرزند شش ساله‌اش به شهادت رسید.



توصیف آیت‌الله خامنه‌ای از شهید سید عباس موسوی



در پی شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین سید عباس موسوی دبیر کل پیشین حزب‌الله لبنان به دست نظامیان رژیم جنایتکار صهیونیستی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای پیام تسلیتی صادر شد.

دبیر کلی که در خدمت مردم بود

و عبارت «من در خدمت شما هستم» را تکرار می‌کرد. او به مردم توصیه می‌کرد که مقاومت را حفظ کنند. **سخنرانی خدا حافظی** سید شهید در دوره دبیر کلی حزب‌الله در بسیاری از کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی و اجتماعات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی داخلی شرکت کرد. یکی از مهمترین سخنرانی‌های پر شور خود را در مراسم گردهمایی سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) در کنار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت در ژوئن سال ۱۹۹۱ ایراد کرد. علاوه بر این، سید سخنرانی‌های متعددی در همان سال به ویژه در همایش «سرچشمه‌های قدرت در قریضه حج» که از سوی تجمع علمای مسلمین لبنان در هتل کارلتون بیروت برگزار گردید و نیز سخنرانی در همایش حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین در تهران در اکتبر ۱۹۹۱ ایراد کرد. سید شهید همچنین در راهپیمایی باشکوه مردم

سید شهید در ماه مارس سال ۱۹۹۱ به دبیر کلی حزب‌الله انتخاب شد. اما وی این مسئولیت را به عنوان تکلیف شرعی و نه تشریفاتی پذیرفت. البته بسیار نگران بود که نکند این پست او را از اهداف رزمندگان مقاومت و خواسته‌های مردم دور کند. هنگامی که مردم برای عرض تبریک و تهنیت به محضر او آمدند به آنان گفت: به من تسلیت بگویید نه تهنیت چرا که من دوست دارم همیشه میان مجاهدان و رزمندگان مقاومت حضور داشته باشم. دوست ندارم منزوی شوم.

به‌رغم مدت کوتاه دبیر کلی وی که حدود ۹ ماه هم طول نکشید، و به شهادت او منجر گردید، سید توانست کارهای زیادی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی و ملی و سیاسی و فرهنگی و تبلیغی انجام دهد. به‌طور شایانه روز برای اعتلای کلمه الله تلاش کرد و با طرح‌ها و برنامه‌های بجا و روشن و شیوه منطقی بدور از تشنج و مبالغه‌گویی توانست یک چهره اجتماعی و انسانی بارزی از خود ایجاد نماید، به طوری که شرایط آن مرحله به وجود وی نیاز مبرم داشت. او توانست چهره‌های سیاسی و ملی و اجتماعی بسیاری اعم از رسمی و مردمی و نیز شخصیت‌های حزبی و سیاسی لبنانی و فلسطینی را جلب کند. هیأت‌های مردمی و علمایی و عشایری و گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی و اقتصادی به دیدار او می‌آمدند. در دوره دبیر کلی حزب‌الله سید شهید پیوسته در حال سفر و بازدید از مناطق گوناگون لبنان بود. از بخش‌های فقیر نشین حومه بیروت، روستاهای جنوب و شمال لبنان و منطقه بقاع و بقاع غربی و محله‌های فقیرنشین و مستضعف‌نشین بازدید می‌کرد. به درد دل مستمندان و شکایت محرومان گوش می‌داد

- منابع:
- منابع المنار
- مجله شاهد یاران
- سایت راسخون

سید عباس به دنبال منصب در حزب‌الله نبود

سید حسن نصرالله

دبیرکل حزب الله لبنان

من با سید عباس موسوی در شانزدهم یا هفدهم دسامبر سال ۱۹۷۶ در نجف اشرف آشنا شدم. شهید شیخ علی کریم که با او ارتباط داشتم، من را با سید عباس الموسوی در نجف اشرف آشنا کرد.

در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تمام جهان همگام با نهضت امام خمینی (ره) بود. در روز پیروزی، خوشحالی بسیار زیاد بود و این رؤیای ما بود که در حال محقق شدن بود. سید عباس بسیار تعامل داشت و از همه ما خوشحال تر بود. روابط سید عباس با شهید محمد باقر صدر روابط ویژه‌ای بود. سید بسیار تحت تأثیر او بود و به مرجعیت او، رهبریتش و ولایتش اعتقاد داشت؛ اما در عین حال، به تمام مراجع دینی نیز احترام می‌گذاشت. زمانی که اسرائیل به لبنان حمله کرد، ما در تهران بودیم. موضع ما از همان اول به صورت قطعی مقابله با دشمن اسرائیلی و جنگ با آن تا زمان اخراج از لبنان بود. سید عباس از روز اول در میان گروه مؤسس حزب‌الله مهران‌های اساسی بود. کمیته‌ای از میان این گروه تشکیل شده به نزد امام خمینی (ره) رفت. سید سخنگوی این هیأت بود. طرح اساسی ما رویارویی با اشغالگران و عنوان اصلی اقدام ما مقاومت بود. امام خمینی این گام را تأیید کرد و از پیروزی سخن به میان آورد و گفت که من پیروزی را در پیشانی شما می‌بینم. علت آمدن سپاه انقلاب به لبنان به این خاطر بود که امام خمینی بر این باور بود که حمله در نقطه‌ای که متوقف شده، پایان نخواهد یافت. بخشی از سپاه برای آموزش در لبنان ماند. درهای اردوگاه‌های سپاه به روی تمام کسانی که خواستار جنگ با اسرائیل بود، باز بود.

مسأله ولایت فقیه برای سید عباس برگرفته از اندیشه سید محمد باقر صدر بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی ولایت فقیه را عملی کرد. درباره انتخاب نام حزب‌الله این توفیق خداوند متعال بود. سرزمین، پایگاه‌ها و مقاومت حزب‌الله بودند که در ابتدا به سمت این نام رفتند. ۱۰ روز بود که درگیر انتخاب دبیرکلی برای حزب‌الله بودیم. هر روز با سید عباس بحث می‌کردیم تا در پایان قبول کنند. برادران در این مرحله به من گفتند که اگر سید عباس قبول نکند، تو باید قبول کنی. سید عباس به دنبال منصب در حزب‌الله نبود.

غافلگیری از بخشش برادر

سید حسن موسوی

برادر شهید سید عباس موسوی

در دوران جنگ‌های داخلی لبنان، برای کسب درآمد و امرار معاش مدتی به آلمان هجرت کردم و از آنجا مشغول کار شدم. چرا که در لبنان کارها و درآمد‌ها به علت جنگ به کلی متوقف شده بود. در دورانی که برادرم سید عباس به دبیر کلی حزب‌الله انتخاب شده بود، برای مدتی به صورت مرحمی به لبنان آمدم. پیش بینی می‌کردم حال که برادرم به سمت دبیرکلی حزب‌الله رسیده، اکنون خانه مجلل در اختیار دارد و مانند پادشاهان زندگی می‌کند، اما، در کمال ناباوری غافلگیر شدم که او در خانه حتی، یک فرش معمولی هم ندارد. آن روز همسرش ام باسر به من گفت که سید عباس فرش خانه را به یکی از دوستان نیازمند بخشیده است. اظهارات ام باسر مانند کوه بر سرم سنگینی کرد و بی درنگ به بازار رفتم و یک تخته فرش برای خانه او خریداری کردم. لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که تا روز خاکسپاری سید خبر نداشتم که فرزندان او کت و ژاکت به تن ندارند، لذا همان روز به بازار رفتم و برای آنان چند دست لباس خریداری کردم. او پیوسته از خواندن دعای کمیل غافل نمی‌شد. از دوران کودکی، برنامه تنظیم کرده بود که هر روز سوره یاسین و آیت الکرسی را بخواند. فراموش نمی‌کنم که برای حفظ سوره یاسین به من کمک کرد.



دارایی‌های دنیایی سیدعباس

حاج سلمان موسوی

وصی شهید سیدعباس موسوی

او هیچ دارایی و ملکی را به ارث نگذاشت. حتی، منزل مسکونی اش ملک شخصی او نبوده است، روزی یکی از دوستانش قطعه زمینی را به او اهدا کرد، اما، سید آن را نپذیرفت. روزی یکی از جوانان نیازمند نزد سید آمد، و نیاز خود را با او در میان گذاشت. سید با دوست بخشنده زمین تماس گرفت و از او خواست آن قطعه زمین را در اختیار شخص نیازمند قرار دهد. روزگاری شایع شده بود که خودروی سیدعباس خانه او است. او یا در حال عبادت و خواندن قرآن و نیایش در مسجد بود، یا در حال زیارت مزار شهدا و یا در حال سخنرانی و تدریس علوم حوزوی و یا در حال دیدار با مردم در روستاهای جنوب و بقا، او همواره با مردم دیدار می‌کرد و با شنیدن شکایات و گلایه‌ها، از آنان دلجویی به عمل می‌آورد. گاهی اوقات یونیفرم نظامی به تن می‌کرد و در کنار رزمندگان مقاومت در جبهه‌های جنگ با اسرائیل حضور می‌یافت.

اهمیت نماز اول وقت

به اقامه نماز در اول وقت بسیار پایبند بود. هرگاه صدای اذان از بلندگوها بلند می‌شد، نماز را اول وقت می‌خواند. بارها دیده می‌شد به‌رغم محدودیت‌هایی که از نظر امنیتی داشته است در کنار جاده کوهستانی ظهر البیدر که منطقه بقاع را به بیروت وصل می‌کند، توقف می‌کرد و نماز را اول وقت به جای می‌آورد. در توپان بیروت- طرابلس نیز نماز را به موقع می‌خواند. او معتقد بود که نماز را نباید دیر وقت خواند. اگر میهمانانی برای دیدار او به منزل آمده بودند هنگام اذان آنها را به نماز جماعت فرامی‌خواند تا میهمانان او را از بجای آوردن نماز اول وقت منصرف نکنند.

